

عیسی به عنوان استاد اعظم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عبرانیان ۱: ۱ تا ۴؛ دوم قرنیتان ۴: ۱ تا ۶؛ یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸؛ ۱۴: ۱ تا ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۱ تا ۱۱؛ دوم قرنیتان ۵: ۱۶ تا ۲۱.

آیه حفظی: «زیرا همان خدا که گفت: نور از میان تاریکی بتابد، نور خود را در دل‌های ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهرهٔ مسیح، ما را منور سازد» (دوم قرنیتان ۴: ۶).

بیلی گراهام، به شرح داستانی می‌پردازد که زمانی به ملاقات سربازان واقع در یک بیمارستان صحرایی به همراه ژنرال فرماندهی آنان رفته بود. یکی از سربازان جوان «چنان زخمی شده بود که او را بر روی تخت برزنتی صحرایی بر روی پشت خوابانده بودند». دکتر در گوش گراهام آهسته گفت «بعید میدانم که او بتواند دوباره راه برود». سرباز از ژنرال درخواستی کرد: «قربان من برای شما جنگیدم، اما هرگز شما را ندیده‌ام. آیا می‌توانم چهره شما را ببینم؟». بدین خاطر ژنرال به زیر تخت صحرایی خزید و با سرباز صحبت کرد. بیلی گراهام دید که اشک از چشمان سرباز بر روی گونه ژنرال چکید.

زمانی که عیسی دنیا آمد، بشر بشدت زخمی و خون آلود افتاده بود و به شفای خدا نیاز داشت. و گویا زمانی که بشر تضرع نمود: «خدایا، آیا می‌توانیم روی تو را ببینیم؟»، پدر آسمانی پسر خویش را به عنوان معلم اعظم به ماموریت فرستاد تا چهره خویش را برای انسان نمایان سازد. از آن زمان به مشاهده امتیازی عالی دست یافته ایم «تا نور معرفت جلال خدا که در چهره مسیح مشاهده می‌شود بر ما بدرخشد» (دوم قرنیتان ۴: ۶) ببینم.

با مشاهده اینکه استاد بزرگ راه خود رابه سوی زمین در پیش گرفت، چه می‌توانیم بیاموزیم؟

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۰ آبان - ۳۱ اکتبر آماده شوید.

آشکار کردن پدر

مهمترین نکاتی که پولس رسول در ابتدای نامه خود به عبرانیان در مورد عیسی مسیح به آنها اشاره میکند، چیستند؟ (عبرانیان ۱: ۱ تا ۴).

نویسندگان عهد جدید مکرراً برجستگی این ایده را تاکید میکنند: که عیسی مسیح به زمین آمد تا به بشر نشان دهد که پدر کیست. در زمانهای گذشته، مکاشفه خداوند از طریق انبیا به شیوه جزء به جزء به آشکار شده بود؛ با اینحال مکاشفه نهایی و کامل خداوند از طریق عیسی آشکار شد.

همچنین، عیسی به عنوان یک شخص، «فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست» (عبرانیان ۱: ۳). ما به عنوان انسان‌های گناهکار، نتوانستیم به جلال خداوند بطور کامل دست یابیم. عیسی مسیح به عنوان پسر تجسم یافته، شکوه و جلال خداوند را منعکس میکند. جلال خدا بطور خاموش در بشریت مسیح قرار گرفت تا بتوانیم با مشاهده آن شخصیت خدا را به وضوح درک کنیم.

عیسی مسیح همچنین «منعکس کننده جلال خدا و مظهر دقیق وجود اوست» (عبرانیان ۱: ۳). عبارت یونانی character که در اینجا بکار برده شده است، گاهی اوقات نشان مهوری بوده که بر روی موم جا می انداخته و یا علامتی بوده که بر روی یک سکه ضرب می شده است. از این رو عیسی «نقش و تصویر دقیق وجود خداست» (عبرانیان ۱: ۳).

اگر بخواهیم پدر را بشناسیم، باید به دقت به کلام معلم بزرگ درباره او گوش فرا دهیم. و همچنین باید به معلم بزرگ خود چشم بدوزیم. پدر را می توان در پسر دید.

عبرانیان ۱: ۱ تا ۴ را با دوم قرنیتیان ۴: ۱ تا ۶ مقایسه کنید. در دوم قرنیتیان ۴: ۱ تا ۶، مسیح چه کسی است، و ما از او چه می آموزیم؟

در حالی که پولس و همکارانش به دیگران درباره خدا تعلیم می دادند، در پی این بودند تا تعالیم خود عیسی را درباره پدر بازتاب دهند. عیسی به عنوان «تصویر خدا» (دوم قرنیتیان ۴: ۴)، شناخت خدای پدر را برای ما به ارمغان آورد. متشابهاً، پولس از تعریف و دگرگون کردن کلام خدا اجتناب ورزید و در عوض، حقیقت را بطور آشکار در مقابل قرار داد (دوم قرنیتیان ۴: ۴).

درست همانطور که خدا، در آفرینش، نور را برای کنار زدن تاریکی بکار گرفت، او پسر خود عیسی را ارزانی داشت تا دیدگاه‌های غلط و اشتباه درباره خود را باطل و حقیقت

را در مورد خود برای ما آشکار سازد. در «چهره مسیح» است که ما شفاف ترین دانش شناخت خدا را کسب می کنیم (دوم قرن تیان ۴: ۶).

عیسی مسیح، دقیقاً خدای پدر را آشکار می کند، کاری که ما هم فراخوانده شده ایم تا «بکوشیم تا مانند او باشیم» [و از خدا تقلید کنیم] (افسسیان ۵: ۱). این مطلب به چه معناست، و چگونه می توانیم مانند عیسی باشیم و از خدا «تقلید» باشیم؟

۵ آبان

دوشنبه

آشکار کردن پدر

یوحنا در بخش آغازین انجیل خود (یوحنا ۱: ۱ تا ۱۸) از عیسی به عنوان «کلام» ابدی به بحث می پردازد. ادعاهای یوحنا درباره عیسی، در پرده و یا محدود نیستند؛ کلام او بی پروا بود و حوزه جهانی را در بر می گرفت. در واقع عیسی از ازل وجود داشت پیش از آنکه جهان هستی یابد. در حقیقت، «جهان به واسطه او پدید آمد» (یوحنا ۱: ۲، ۳)، «و اوست آن نور حقیقی که به هر انسانی روشنایی می بخشد» (یوحنا ۱: ۹).

بر اساس گفته یوحنا، نتیجه تجسم یافتن مسیح چه بود؟ مطابق با کلام، او چه نوری با خود آورد؟ او از چه ویژگی هایی برای این کار برخوردار بود؟ (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸).

«نور زمانی به این جهان آمد که جهان در تاریک ترین دوران خود بسر میبرد.....
اما او امید بشریت بود..... که حکمت خداوند را باید به جهان باز میگرداند و احیا میکرد.
مسیح به این جهان آمد تا حکمت و معرفت خدا را در آن احیا کند. او آمد تا تعالیم دروغین که توسط مدعیان خداشناس عرضه می شد و جلوه غلطی از خدا را به نمایش می گذاشت، باطل کند، او آمد تا ماهیت شریعت خود را آشکار کند، تا در شخصیت خود زیبایی تقدس را نشان دهد» (الن جی وایت، آموزش، صفحات ۷۴ تا ۷۶).
هر چه عیسی در طی زندگی زمینی خود انجام داد، یک هدف در بر داشت: «مکاشفه خداوند برای تعالی بشریت» (آموزش، صفحه ۸۲).

مسیح خود می گوید، «کسی که مرا دیده، پدر را دیده است» (یوحنا ۱۴: ۹)؛ بیانیه عیسی چه چیزی را تصریح می کند؟ و چرا او این چنین می گوید؟ یوحنا ۱۴: ۱-۱۴.

این وسوسه انگیز است که سخنان از روی سهو فیلیپس را نکوهش کرد (یوحنا ۱۴: ۸). پس از سالها همنشینی نزدیک با عیسی، او نکته اساسی تجسم خدای زنده، که عیسی برای آن آمده بود تا شخصیت پدر را آشکار کند را از دست داده بود. شاید معلمان امروزی بتوانند از این واقعیت احساس آرامش کنند که یکی از حواریون استاد بزرگ با وجود همنشینی با او به این بدی اظهار نظر نموده است! احتمالاً اظهارات فیلیپس در کتاب مقدس به این دلیل نیامده که به ما دلیلی برای انتقاد از او را بدهد، بلکه به ما فرصتی داده تا در ایمان خود بازنگری کنیم. چه مدت است که با عیسی همگام و پیرو او هستیم؟ و آیا ما عیسی را بهتر از فیلیپس می شناسیم؟ «هرکس مرا دید، پدر را دیده است».

۶ آبان

سه شنبه

درک افکار استاد بزرگ

نگرانی قلبی پولس درخصوص جامعه مسیحیان در فیلیپی با توجه به نامه ای که برای آنان می نویسد چیست؟ فیلیپیان ۲: ۱ تا ۴؛ فیلیپیان ۴: ۲، ۳.

فیلیپیان باب ۱: ۲ تا ۱۱ از ژرف ترین و پر محتواترین آیات کتاب مقدس می باشد. در اینجا بحث درباره موجودیت مسیح، الوهیت، جسم پوشیدن، بُعد انسانی، و مصلوب شدن اوست. در اینجا مسیر طولانی سختی ها و فراز و نشیبهای زندگی مسیح از ملکوت تا به تپه جلجتا شرح داده شده است (فیلیپیان ۲: ۵ تا ۸). و در اینجا توصیف می کند که چگونه پدر آسمانی او را تعالی می بخشد تا هر زانویی در برابر او خم شود و هر زبانی در هستی اقرار کند که او خداوند است و او را پرستد (فیلیپیان ۲: ۹ تا ۱۱). بسیاری از حقایق شگفت انگیز در آن آیات بیان شده اند.

پولس چگونه فیلیپیان باب ۲: ۵ تا ۱۱ را معرفی می کند؟ از وقایع زندگی مسیح که پولس از آنان تجلیل می کند، فکر می کنید که کدامیک را او انتظار دارد تا ایمانداران در زندگی خود بازتاب دهند؟ (فیلیپیان ۲: ۶ تا ۱۱).

پولس امیدوار است که ایمانداران فیلیپی، که اهل استدلال بودند، از عیسی و جسم پوشیدن او بیاموزند. چنانچه عیسی توانست شکل بشر را تقبل کند - «صورت غلام را بپذیرد و مانند انسان مولود شود» (فیلیپیان ۲: ۷) - و حتی تسلیم صلیب شود، چقدر بیشتر آنها باید از روی محبت تسلیم یکدیگر باشند؟

به ما یادآوری شده است که مطالب زیادی وجود دارد که ما باید از مسیح بیاموزیم. ما میتوانیم از پیامهایی که وی در طی رسالت زمینی خویش به اشتراک میگذارد، بیاموزیم. ما می توانیم از معجزاتی که او انجام می دهد و نحوه برخورد او با دیگران بیاموزیم. ما می توانیم برای روابط خود با دیگران از او الگویی بگیریم که با اینکه در کبریایی بود، اراده نمود تا جلال و شکوه آسمانی خود را با یک آخور عوض کند [و چه درس بزرگی!] در مقابل جهان اغلب ما را دعوت میکند تا خودمان را تعالی بخشیم و به دستاوردهای خود ببالیم و از خود تجلیل کنیم. ما از آخور بیت لحم و از معلم بزرگ بشریت درسی متفاوت می آموزیم، و آن اینست که کار بزرگ آموزش و برنامه رستگاری خداوند با تعالی بخشیدن به خودمان تحقق پذیر نیست، بلکه با فروتنی در برابر پیشگاه خداوند و خدمت به دیگران انجام پذیر است.

وقتی خود را فروتن می سازید تا شخصیت مسیح را به دیگران بازتاب دهید، با چه وضعیتی روبرو می شوید؟

۷ آبان

چهارشنبه

معلم بزرگ و مصالحه

روابط انسانی اغلب اوقات از هم گسسته است. ما از یکدیگر خسته و دلسرد می شویم. فردی که زمانی دوست صمیمی ما بوده، با گذشت زمان، مبدل به فردی می شود که ما دیگر به او اعتماد نداریم. با اینحال، این روابط گسسته قابل اصلاح می باشند. وقتی این اتفاق می افتد، شگفتی مصالحه و آشتی را تجربه می کنیم. تعداد کمی از انسانها از حلاوت این تجربه برخوردار می شوند.

مصالحه و آشتی که در قلب مسیح تجسم یافته قرار دارد چه نقشی برای او به عنوان معلم اعظم ایفا می کند؟ (دوم قرنتیان ۵: ۱۶ تا ۲۱).

اگر در اثر بهبود رابطه با انسان دیگری احساس خوشبختی می کنیم، چقدر عظیم تر از آشتی با خداوند احساس برکت و خوشبختی خواهیم کرد؟ در دوم قرنتیان باب ۵: ۱۶ تا ۲۱، پولس بسیار واضح و روشن به ما می گوید که کسانی که با خداوند آشتی و صلح می کنند، پدر آسمانی آنان را هدایت می کند تا روابطشان را با او بهبود بخشند. و خداوند این کار را از «طریق مسیح» انجام داده است (دوم قرنتیان ۵: ۱۸). «خداوند به وسیله مسیح با جهان آشتی نمود» (دوم قرنتیان ۵: ۱۹).

گرچه، دوباره، ما نباید به تنهایی از خوشی آشتی بهره ببریم [بلکه باید آن خوشی را با دیگران هم قسمت کنیم]. ما باید از معلم بزرگ خود درس بگیریم. او با پوشیدن جسم انسانی، در این مصالحه بزرگ مشارکت کرد. و ما نیز دعوت شده ایم که در اینکار مشارکت داشته باشیم. خدا ما را از طریق مسیح با خود آشتی داده است. و اکنون به ما و پولس «خدمت مصالحه و آشتی» را سپرده است (دوم قرنتیان ۵: ۱۸).

کولسیان باب ۱: ۱۵ تا ۲۰ از دیگر آیات ژرف عهد جدید درباره مسیح، صورت و مظهر خدای نادیده است. که اغلب به نظر می‌رسد که باید سرودهای پرستشی باشند، که در بخش اول این رساله درباره نقش مسیح در خلقت به بحث پرداخته است (کولسیان ۱: ۱۵ تا ۱۷)، در حالیکه بخش دوم رساله بر نقش مسیح در رستگاری و نجات متمرکز است (کولسیان ۱: ۱۸ تا ۲۰). خداوند از طریق نقش مسیح به عنوان خالق و منجی، همه چیز را با خود آشتی داد و با جهانیان مصالحه کرد. کار مصالحه خدا که از طریق مسیح تحقق یافت در مقیاس جهانی است، «و به واسطه او همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، با خود آشتی داد، به وسیله صلحی که با ریخته شدن خون وی بر صلیب پدید آورد» (کولسیان ۱: ۲۰).

در حالیکه ما هرگز نمی‌توانیم وظیفه خود در مصالحه با دیگران را با کار عظیم معلم بزرگ بشریت که در سطح کیهانی به عنوان آشتی دهنده انجام میدهد، مقایسه کنیم، اما از ما دعوت شده تا در محدوده خود در «خدمت آشتی» مشارکت کنیم (دوم قرنتیان ۵: ۱۸). این همان چیز است که هنگام دعا در ذهن مسیح بود «همانطور که تو مرا جهان فرستادی من نیز آنان را به جهان فرستادم» (یوحنا ۱۷: ۱۸).

با چه روش‌های عملی می‌توانیم نقش خداوند را به عنوان آشتی دهنده منعکس کنیم؟ یعنی، در زمان حاضر، در چه شرایطی (در صورت امکان) می‌توانید به مردم کمک کنید تا با یکدیگر مصالحه کنند؟

۸ آبان

پنجشنبه

نخستین شاگردان معلم بزرگ

در یک لحظه، آنان گروهی از چوپانهای معمولی هستند که از گله گوسفندان در حومه یک شهر کوچک مراقبت می‌کنند. در لحظه بعد، آنان پذیرای حضور شگفت‌انگیز فرشتگانی هستند که مژده حیرت آور و تکان دهنده آنان دنیا را شگفت زده می‌کند. آنان با این حضور با شکوه فرشتگان تشویق میشوند تا بدنبال کودکی بگردند که فرشتگان مژده تولد او را اعلام کردند.

تصور کنید که در کنار آن چوپانان ایستاده‌اید و به آن آخور نگاه می‌کنید. چه می‌بینید؟ لوقا ۲: ۸ تا ۲۰.

ما باید نخستین شاگردان معلم بزرگ بشریت یعنی مریم، یوسف و چوپانان را تحسین کنیم. شرایط فروتنانه تولد مسیح هیچ نشانی از شگفتی و عظمت صورت انسانی خدای نادیده ندارد که بیانگر شخصیت موجود در این نوزاد باشد، خدایی که فروتن شده، شکل انسانی بخود گرفته و با بشریت یکی شده است. با اینحال، این شاگردان اولیه او قادر هستند با کمک نبوت‌ها، رویاها و فرشتگان، آنچه را ببینند که فراتر از ظاهر عینی تولد مسیح است. چوپانان هویت این نوزاد را با دیگران در میان می‌گذارند، «امروز در شهر داود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده و او خداوند مسیح است» (لوقا ۲: ۱۱ را با لوقا ۲: ۱۷ مقایسه کنید).

آن مردان حکیم چگونه به مژده تولد مسیح واکنش نشان می‌دهند؟ هیروودیس چگونه واکنش نشان میدهد؟ (متی ۲: ۱ تا ۱۲).

قبل از اینکه او اولین داستان پند آموز خود را بیان کند یا حتی معجزه ای انجام دهد، معلم بزرگ ما شایسته پرستش و عبادت از سوی ما میباشد، به خاطر شخصی که او هست. برای قدردانی کامل از تعالیم عیسی، ما باید برای ستایش و تکریم معلم بزرگ به شاگردان اولیه او یعنی مجوسیان یا همان مردان حکیم ملحق شویم. و کسانی باشیم که تعالیم او را بیشتر از تعالیم یک مربی خردمند ارج نهیم. او خدایی است که آمد تا با بشر همنشین شود. آموزش مسیحی ریشه در پرستش و عبادت مسیح دارد. همراه با مجوسیان، چوپانان، فرشتگان، ما برای پرستش مسیح، پادشاه تازه متولد شده، و دیدن واقعیت ذات خداوند در عیسی نوزاد فراخوانده شده ایم.

بیندیشید که تجسم عیسی در خصوص شخصیت خدا چه مفهومی دارد؟ خالق همه عالم، آنقدر بزرگ است که ما نمی‌توانیم او درک کنیم، این خدا با آمدن به دنیای بشریت «خود را فروتن می‌سازد»، به عنوان عیسی زندگی می‌کند، و بر روی صلیب جان می‌سپارد، و مجازات گناهان ما را بر خود می‌گیرد. چرا این مژده ای نیکوست؟

تفکری فراتر: بخوانید از خانمِ اِلن جی وایت، «معلمی که خداوند فرستاد»، صفحات ۷۳ تا ۸۳، از کتاب آموزش.

«معلمی که از سوی خداوند برای بشر فرستاده شد، پایه و اساس همه کارهای آموزش واقعی است. حقیقتاً امروزه، اثر کار او همسان با همان کاری است که در هجده سده پیش بنای آنرا گذاشت، منجی اینگونه سخن می‌گوید «نترس، من اول و آخر هستم، من زنده هستم». «من الف و یاء، اول و آخر هستم» (مکاشفه ۱: ۱۷، ۱۸؛ مکاشفه ۲۱: ۶).

«با حضور چنین معلمی، و چنین فرصتی برای آموزش الهی، حماقتی بدتر از آن نیست که در پی آموزشی به غیر از او باشیم، مانند آنست که بخواهید خردمند باشید اما خرد را رد کنید؛ می‌خواهید صادق باشید در حالیکه حقیقت را انکار می‌کنید؛ در پی روشنایی بدون نور باشید، و در پی هستی بدون حیات باشید؛

از چشمه آب های زنده روی بگردانید، و در عوض به حفر آب انبارها و قنات های در هم شکسته پردازید که هیچ آبی در آن نیست.

«بنگرید، او هنوز هم ما را دعوت می‌کند اگر کسی تشنه است نزد من بیاید و بنوشد، و نهرهای آب زنده از وجود کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت، زیرا آن آبی که من به او می‌دهم در درون او به چشمه ای تبدیل خواهد شد که تا حیات جاودان خواهد جوشید» («یوحنا ۷: ۳۷، ۳۸؛ ۴: ۱۴») (خانمِ اِلن جی وایت، آموزش، صفحه ۸۳).

«معلم عزیز،... به عنوان بالاترین درجه آمادگی برای کار آموزش، من شما را بسوی سخنان، زندگی، روش‌ها، سرور و استاد همه معلمین راهنمایی می‌کنم. از شما می‌خواهم که به او توجه کنید. او الگو ایده‌ال واقعی برای شماست. به او چشم بدوزید، بر او تکیه کنید، تا روح معلم الهی قلب و زندگی شما را تسخیر کند و در بر گیرد.

«مانند یک آینه جلال و شکوه خداوند را منعکس می‌کنیم، به تدریج در جلالی روز افزون به شکل او مبدل می‌شویم» (دوم قرن تیان ۳: ۱۸).

این راز قوت و قدرت شاگردان شماست. - اِلن جی وایت، آموزش، صفحه ۲۸۲.

سؤالاتی برای بحث

۱. چه ارزش‌ها و اقداماتی برای معلمان و شاگردان مسیحی که ایده تعلیم و پیروی از معلم بزرگ بشریت را جدی می‌گیرند، میتواند مهم باشد؟
۲. والدین و معلمان مسیحی از معیارهای والایی برای نشان دادن شخصیت خداوند در بُعد انسانی مسیح برخوردارند. وقتی کاستی‌هایی در این معیارهای شایسته و والا وجود دارد، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟
۳. در کلاس، بر روی آخرین سوال مطالعه روز پنجشنبه بحث و گفتگو کنید. تولد، زندگی، مرگ مسیح درباره شخصیت خدا چه می‌آموزد؟ چرا باید این مسئله باعث تسلی خاطر ما، به ویژه در مواقع آزمون‌های بزرگ الهی شود؟